

بررسی و سنجش سطح ابعاد پایداری در محلات حاشیه‌نشین

(مطالعه موردی: شهر زابل)

مهدی مباحثری

گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران

چکیده

حاشیه‌نشین پدیده‌ای است که به دنبال تحولات ساختاری و بروز مسائل و مشکلات اقتصادی - اجتماعی مانند جریان سریع شهرنشینی و مهاجرت روستایی و رانده شدن افراد تهیدست شهری به نواحی آسیب‌پذیر شهری به وجود آمده است. این مشکل شهری صرفاً مسئله‌ای کالبدی و فیزیکی نبوده و از عوامل کلان ساختاری در سطح ملی و منطقه‌ای ناشی می‌شود. و بر همه وجوه پایداری شهری تأثیر بسزایی دارد. در این راستا هدف پژوهش حاضر بررسی و سنجش سطح ابعاد پایدار شهری در محلات حاشیه‌نشین شهر زابل می‌باشد. روش تحقیق توصیفی و تحلیلی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای، اسنادی و میدانی می‌باشد. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز از نرم افزار SPSS و مدل Fuzzy VIKOR استفاده شده است. نتایج میزان سطح پایداری در محله‌های حاشیه‌نشین شهر زابل از آزمون تی تک نمونه‌ای نشان داد در همه گویه‌های ابعاد (پایداری، اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، نهادی) کمتر از عدد مطلوبیت ۳ ارزیابی شده و در سطح آلفای ۰/۰۰۰ معنادار است، در واقع نتایج گویای عدم پایداری مطلوب در محله‌های حاشیه‌نشین شهر زابل می‌باشد. همچنین نتایج آزمون تحلیل واریانس یک طرفه نشان داد، وضعیت پایداری در محله‌های حاشیه‌نشین شهر زابل با یکدیگر یکسان نیست. بیشترین و کمترین اختلاف میانگین بین این محله‌ها، متعلق به بعد (اقتصادی) می‌باشد. در نهایت جهت رتبه‌بندی محلات حاشیه‌نشین از نظر ابعاد پایداری از مدل Fuzzy VIKOR استفاده گردید. نتایج نشان داد، در بین محله‌های حاشیه‌نشین مورد نظر، محله شهید سراوانی با مقدار وزن به دست آمده (۱)، بالاترین میزان پایداری و محله القورآباد و افشار با مقدار وزن به دست آمده ۰/۰۸۷، پایین‌ترین میزان پایداری را به خود اختصاص داده است.

واژه‌های کلیدی: حاشیه‌نشین، ابعاد پایدار شهری، محلات، شهر زابل

مقدمه و مبانی نظری

در سال‌های پایانی هزاره دوم و آغازین سال‌های هزاره سوم، مسئله حاشیه‌نشینی، به عنوان یک معضل جهانی، گریبانگیر بسیاری از کشورهای در حال توسعه و صنعتی شده است، بسیاری معتقدند که مسئله معیشت، از مهمترین عوامل پشت پرده و از جمله مهم‌ترین بازتاب‌های شهرنشینی معاصر، پیدایش و گسترش محله‌های آسیب‌پذیر (سکونتگاه‌های غیررسمی) در مرکز یا پیرامون شهرهاست (یزدانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۰۱). سکونتگاه‌های غیررسمی، فضایی از نوعی وضعیت خاص زندگی هستند که با برنامه‌ریزی رسمی، قواعد قانونی و استانداردهای نهادی مطابقت ندارد. زمانی که فقر، حاصل ابعاد متنوعی از مصائب و محرومیت هاست، این وضعیت پویا و پیچیده می‌شود (Olajide, 2013: 1). این سکونتگاه‌ها را می‌توان بخش‌های فراموش‌شده و برنامه‌ریزی نشده‌ای در مقایسه با سایر سکونتگاه‌های شهری دانست که از نظر پایداری بسیار شکننده هستند (یزدانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۰۱). سکونتگاه‌های غیر رسمی به سبب ایجاد فقر و گسترش آن و نیز به مخاطره انداختن محیط زیست و تحمیل هزینه‌های سنگین برای حل مشکلات، تهدیدی جدی برای پایداری و انسجام جامعه شهری تلقی شده به گونه‌ای که نیاز جدی به اتخاذ تدابیر ویژه‌ای برای ساماندهی وضعیت کنونی و جلوگیری از گسترش آن در آینده بایستی در دستور کار مدیران و دولت‌مردان قرار بگیرد. بنابراین امروزه شهر و شهرنشینی با بروز و ظهور مشکلاتی چون بی‌مسکنی و بد مسکنی، معضل حاشیه‌نشینی و رشد زاغه‌ها و سکونتگاه‌های غیر رسمی، چالش‌های زیست محیطی، عدم دسترسی به آب آشامیدنی سالم و بهداشتی، معضل دفع زباله و عدم بازیافت آن، مشکلات ترافیکی و آمد و شد؛ گسترش آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی؛ شکل توزیع عادلانه‌تر امکانات و خدمات شهری مورد نیاز شهروندان، مسئله تأمین کار و درآمد برای همه آحاد شهروندان؛ انواع نارضایتی‌های جمعی و ظهور پدیده وندالیسم و احساس عدم تعلق و بیگانگی با شهر همراه بوده است (نقدی، ۱۳۸۲، ۲). فقر شهری در پی گسترش اسکان غیررسمی همواره یکی از معضلات کشورهای در حال توسعه است که از بدتر شدن اوضاع سکونتی میلیون‌ها نفر از ساکنین کشورها حکایت دارد. آنها بدون شرایط زیستی مناسب و بدون دسترسی به درآمد کافی مجبور به سکونت خارج شهر هستند (بندرآباد و پوریوسفی، ۱۳۹۸). امروزه، از زمینه‌های ناپایداری توسعه‌ی شهری به ویژه در کشورهای در حال توسعه، اسکان غیر رسمی است که همواره به مثابه‌ی یک چالش مدیریت و برنامه‌ریزی شهری مطرح بوده است. با مطرح شدن توسعه‌ی پایدار شهری و لزوم توجه به همه‌ی ابعاد وجودی شهر (اعم از زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی) به عنوان پایه‌های توسعه‌ی پایدار شهری، مطالعات سکونتگاه‌های غیر رسمی وارد دوره‌ی مطالعاتی جدید و بیشتر در ارتباط با ارزیابی سطح پایداری در این گونه سکونتگاه‌ها شد (تولایی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱). سازمان‌های جهانی و به خصوص سازمان ملل از طریق بانک جهانی تأکید بر بهبود وضعیت این سکونتگاه‌ها دارند و کمک‌های مالی زیادی هم به کشورهای درگیر با این موضوع نموده‌اند.

در این میان رشد شتاب‌آلود شهرنشینی در ایران مشکلات زیادی در شهرها بوجود آورده و یکی از مهمترین پیامدهای آن رشد قارچی سکونتگاه‌های غیر رسمی بوده است. لذا توجه جدی به بهبود وضعیت این سکونتگاه‌ها بدلیل پیامدهای منفی آن در ابعاد مختلف ضرورت دارد. توجه جدی دولت به مساله اسکان غیر رسمی به سال ۱۳۸۲ باز می‌گردد. در این زمان هیات وزیران مصوبه‌ای را تحت عنوان سند ملی توانمندسازی و ساماندهی اسکان غیر رسمی با اهدافی که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهد شد، به تصویب رساند. در طول سال‌های گذشته سازمان‌های بین‌المللی خصوصاً بانک جهانی طرح‌هایی جهت بهبود وضعیت سکونتگاه‌های غیر رسمی در کشورهای جهان سوم به مورد اجرا گذاشته که در نهایت در دهه ۱۹۸۰ منجر به راهبرد توانمندسازی و مشارکت مردمی گردید. در راستای راهبرد مذکور مطالعات طرح‌های توانمندسازی با حمایت بانک جهانی در کشورهای جهان سوم آغاز گردید. کشور ایران نیز با دارا بودن سکونتگاه‌های غیر رسمی زیاد خصوصاً در کلان‌شهرها، با مشارکت بانک جهانی اقدام به آغاز مطالعات به منظور توانمند نمودن این سکونتگاه‌ها نمود و در سال ۱۳۸۲ با تصویب سند توانمندسازی سکونتگاه‌های غیر رسمی توسط دولت، عملاً با رویکردی جدید به مسئله سکونتگاه‌های غیر رسمی توجه گردید (قضاتلو و همکاران، ۱۳۹۸: ۱).

رشد شتابان شهرنشینی ایران همراه با مهاجرت روستاییان به شهرها باعث به وجود آمدن حاشیه نشینی به صورت گسترده شده است. اولین مبدا مهاجران روستایی و شهرهای کوچک مناطق مرزی شهرهای بزرگتر منطقه می‌باشد (بزی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۷). شهر زابل در شمال استان سیستان و بلوچستان به دلیل مرزی بودن و مشکلات ناشی از نبود اشتغال و در پی آن فقر در سطح منطقه نحو گسترده‌ای با این معضل حاشیه‌نشینی مواجه است. سکونتگاه‌های غیررسمی به صورت کمربندی پیکره شهر را محاصره کرده و رشد قارچ گونه این سکونتگاه‌ها همچنان ادامه یافته، به نحوی که جغرافیای فیزیکی شهر را دستخوش ناهمگونی و ناهنجاری‌های شدید کرده است. و تهدیدی برای نظام شهری می‌باشد. امروزه چنین الگوهای زیستی در شهر زابل چنان رشد مخاطره آمیزی داشته که در سال‌های اخیر طرح‌های ساماندهی مختلفی در جهت چاره‌اندیشی به فعالیت‌های متعددی در این زمینه پرداخته‌اند. در این راستا هدف پژوهش حاضر بررسی و سنجش سطح ابعاد پایدار شهری در محلات حاشیه‌نشین زابل می‌باشد.

پیشینه تحقیق

تولایی و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهشی به سنجش و ارزیابی سطح پایداری در سکونتگاه‌های غیررسمی با استفاده از مدل جای پای بوم شناختی (مورد شناسی: محله ی عباس آباد بالاشهر سندرندج)، پرداخته‌اند. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که میزان کل جای پای بوم شناختی محله ی عباس آباد برابر با ۷۴۵۶۰.۵۵۱ هکتار بوده که این مقدار با توجه به جمعیت ۱۹۵۷۸ نفره ی این محله، میان سرانه ی ۳.۸ هکتار برای هر نفر در سال ۱۳۹۰ است. یزدانی و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهشی به سنجش سطح پایداری در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر اردبیل به کمک مدل بارومتر پایداری پرداخته‌اند. بر اساس نتایج با توجه به شرایط ناپایداری سکونتگاه‌های غیررسمی شهر اردبیل می‌توان نتیجه گرفت سطح پایداری در این محله‌ها مناسب نیست؛ از این رو برنامه‌های توسعه‌ای متناسب با ضعف‌ها و قوت‌های هر محله و براساس سطوح پایداری هریک از این سکونتگاه‌ها ضروری است. قربانی و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهشی به تحلیل تأثیر عوامل اقتصادی-اجتماعی بر شکل‌گیری و گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی کلان شهر مشهد پرداخته‌اند. بنابر نظر کارشناسان و ساکنان، عامل اقتصادی به خصوص متغیرهای درآمد اندک، خشکسالی و رکود کشاورزی و بیکاری تأثیر بسیار مهم‌تر و قوی‌تری نسبت به عامل اجتماعی داشته‌اند. در فرایند گسترش اسکان غیررسمی، این متغیرها چرخه‌هایی را ایجاد می‌کنند که خود سبب تقویت و به حرکت درآوردن سریع‌تر چرخه‌های متغیرهای اجتماعی و در نهایت، گسترش سکونتگاه‌ها شده‌اند. شیبانی‌مقدم و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهشی به ارزیابی میزان موفقیت طرح‌های ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی زاهدان، پرداخته‌اند. نتایج حاصل نشان می‌دهد به دلیل غیر منعطف بودن، نبودن مدیریت جامع شهری، عدم تناسب مقیاس-های طرح-ها با جهت تجزیه و تحلیل فنی در محدوده بافت سکونتگاه-های غیررسمی و دیدگاه سنتی، ناکافی بودن وام‌های نوسازی همچنین نبود نظم سلسله مراتبی در تهیه طرح‌های توسعه شهر، امکان تحقق پذیری در این سکونتگاه‌های شهر زاهدان را سخت و کم رنگ کرده است. پوراحمد و همکاران (۱۳۸۹)، در پژوهشی به بررسی آسیب‌شناسی سیاست‌های دولت در ساماندهی اسکان غیر رسمی، نمونه موردی: محلات نای بند، شیر سوم و خواجه عطا، شهر بندرعباس پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که، سیاست‌های دولت در دوره‌های مختلف، نه تنها به پایداری اجتماعی، فیزیکی و کالبدی سکونتگاه‌های غیر رسمی منجر نگردیده است، بلکه باعث محروم شدن بخش وسیعی از افراد کم درآمد از تسهیلات زمین و مسکن شهری در برنامه‌های دولت نیز شده است. تحقیقات علمی (Burgess et al, 1997, Franklin, 2006, 238, Hughes, 1977) همگی دارای دیدگاه‌های بسیار مشترکی در زمینه چالش‌های تامین مسکن برای گروه‌های کم درآمد شهری کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته هستند. مرکز راهبرد به طور رسمی به ارایه برنامه‌هایی برای بهبود شرایط سکونت به ویژه سکونتگاه‌های غیر رسمی شهرهای کشورهای در حال توسعه پرداخته‌اند. ویکیزا و همکاران در سال ۲۰۰۱ خاطر نشان می‌شود، شناخت تیپولوژی سکونتگاه‌های غیر رسمی و محلات فقیرنشین در برنامه‌ریزی شهری بسیار ضروری است

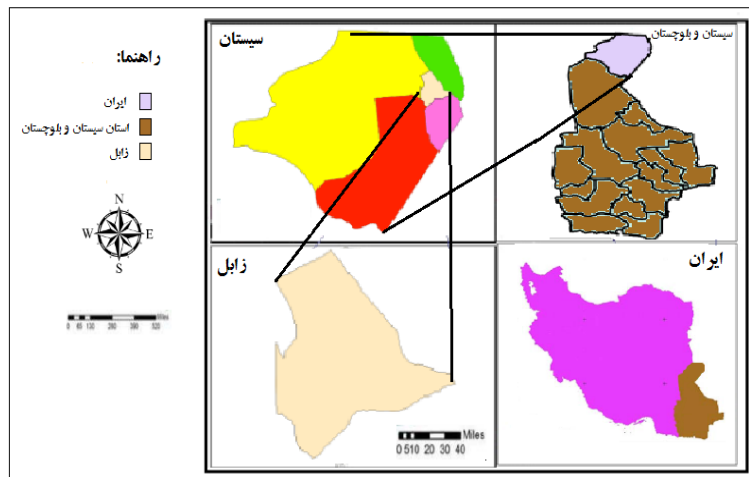
مبانی نظری

واژه سکونتگاه های غیررسمی برای اولین بار در نوشته های آبرام و تورنز، به ویژه پس از کنفرانس مسکن و نکوور کانادا در سال ۱۹۷۶ رواج یافت. با تعریف این واژه، روش های مقابله ای و دشمنی جویانه به روش های حمایت سکونتگاه ها تغییر کرد. این سکونتگاه ها شیوه سکونتی ناپایداری هستند که در نتیجه پاسخ خودجوش اقبال کم درآمد شهری به تأمین سرپناه خارج از بازار رسمی زمین و مسکن و مسکن شکل گرفته اند و راه حل تأمین سرپناه فقرا با قیمتی معقول هستند (حبیبی و گرامی، ۱۳۹۷). مفهوم حاشیه‌نشینی معانی و اسامی گوناگونی برای خود دارد و اغلب، به مسکن فاقد خدمات و نیازهای اولیه انسانی اطلاق می‌شود (3: Gruber et al, 2005). حاشیه‌نشینی در دوره کلاسیک، منطقه‌ای بدنام و متمایز از سایر مناطق بود. در این دوره، اصلاح‌گرایان بیشتر با چارلز بوت موافق بودند که مناطق حاشیه‌نشین را معجونی از خانه‌های فرسوده، با تراکم زیاد جمعیتی، فقر و ضعف تعریف می‌نمود. برای لیبرال‌های قرن نوزدهم، ابعاد اخلاقی مسئله اهمیت داشت. از نظر اینان، مناطق حاشیه‌نشین بیش از همه، به عنوان مکان‌هایی با پسماندهای اجتماعی و فساد و مراکز غیراخلاقی و شلوغ بوده است. هر چند بعدها محققین و نویسندگان عرصه حاشیه‌نشینی، تعریف کلاسیکی از حاشیه‌نشینی را مد نظر داشتند، مناطقی با تراکم زیاد جمعیتی، فقر و خانه‌های غیررسمی، دسترسی نابرابر به آب سالم و لوله کشی شده و تصرف غیرقانونی زمین، ولی افتراهای عصر ویکتوریایی را کنار گذاشتند (Davis, 2004: 13).

حاشیه‌نشینی به عنوان یک مسئله اجتماعی پیچیده در بستری از تعاملات که متأثر از عوامل بسیاری است شکل می‌گیرد، که بعضاً تشخیص بسیاری از این عوامل بسیار دشوار است. در این زمینه، پل میدوز، مهاجرت را عامل اصلی حاشیه‌نشینی در کشورهای در حال توسعه می‌داند و معتقد است که در کشورهای در حال توسعه، شهرهای بزرگ مناطق حاشیه‌نشین دارند. این شهرها با سیل عظیم مهاجرین روستایی روبه‌رو هستند و شهر به عنوان متوقف‌کننده در مورد آنها عمل می‌نماید. بعضی از مهاجرین خوشبخت، می‌توانند از دروازه‌های طلایی شهر عبور کنند و خود را با شهر تطبیق دهند، ولی بعضی از آنها نمی‌توانند با شهر سازگاری پیدا کنند و در نتیجه، پشت دروازه‌های شهر مناطق حاشیه‌نشین را تشکیل می‌دهند. تعداد افراد در حاشیه‌ها و خصوصیات آنها متفاوت است و اندازه حاشیه‌ها به محیط آنها و حجم مهاجرین بستگی دارد. همچنین فرهنگ و وضع حاشیه‌نشینان با افراد شهری تفاوت دارد، امروزه بیشتر کشورهای در حال توسعه، یورش حرکت جمعیت از روستا به شهر را تجربه می‌کنند. نامتوازی و نابرابری سطح زندگی در روستا و شهر خود به حاشیه‌نشینی منجر می‌شود. مهاجرت روستاییان به شهرها، پس از مدتی شهرها را اشباع می‌کند و سازمان‌ها و مسئولین کنترل‌کننده شهری نیز از پذیرش آنها عاجز می‌مانند و تعدادی از روستائیان، نمی‌توانند خود را با محیط وفق دهند و جذب حاشیه شهری می‌شوند (حسین‌زاده و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۱۱).

محدوده مورد مطالعه

شهر زابل به عنوان یکی از شهرهای استراتژیک مرزی شرق ایران، در عرض جغرافیایی ۳۰ درجه و ۷ دقیقه تا ۳۱ درجه و ۲۹ دقیقه شمالی و طول جغرافیایی ۵۹ درجه و ۲۵ دقیقه تا ۶۱ درجه و ۵۹ دقیقه شرقی واقع گردیده است. ارتفاع این شهر ۴۹۸،۲ متر از سطح دریا بوده و در جلگه ای وسیع و هموار واقع شده که اطراف آن را اراضی مسطح فرا گرفته است. زابل در فاصله ۲۱۵ کیلومتری زاهدان و ۷۰۰ کیلومتری شرق کرمان واقع شده است (سالنامه اماری استانداری سیستان و بلوچستان). مساحت این شهر در داخل محدوده مصوب طرح تفصیلی (۱۳۸۵)، بالغ بر ۲۰۸۴،۵ هکتار است (۱۳۲۸،۸ هکتار اراضی خالص شهری و ۷۵۵،۵ هکتار اراضی ناخالص شهری). مساحت حریم شهر زابل در وضع موجود تقریباً برابر ۱۷ هزار هکتار می‌باشد. بنابراین وسعت حریم شهر در حدود ۸ برابر وسعت محدوده شهر می‌باشد. جمعیت شهر زابل مطابق با طرح جامع سال ۱۳۹۵، ۱۶۵۶۶۶ نفر می‌باشد (همان منبع).



شکل (۱): موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه



شکل (۲): پراکندگی محلات حاشیه نشین شهر زابل

روش تحقیق

پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و از حیث روش گردآوری اطلاعات، توصیفی و تحلیلی است. برای گردآوری اطلاعات در بخش نظری از روش اسنادی و در بخش میدانی از روش پیمایشی مبتنی بر مصاحبه و پرسشنامه بهره گرفته شده است. این تحقیق به دنبال بررسی سنجش سطح ابعاد پایداری در محلات حاشیه‌نشین شهر زابل می‌باشد. داده‌های اولیه از طریق نمونه-گیری خانوار، روش‌های مبتنی بر مصاحبه‌های میدانی جمع‌آوری شده است. برای تولید داده‌های مورد نیاز از منابع اولیه، از رویکردهای روش‌شناختی میدانی استفاده شد. این روش شامل تکمیل پرسشنامه ساختار یافته از واحدهای تحلیل ساکنان شهر زابل، مصاحبه با مردم محلی، مشاهده موضوعات در محدوده‌های سکونتگاهی منطقه، مصاحبه با افراد متخصص و کارشناس در محدوده مورد مطالعه است. تکمیل پرسشنامه نیز به دو شیوه انجام شد: الف) تکمیل پرسشنامه توأم با مصاحبه، معمولاً این نوع استفاده از پرسشنامه درباره خانوارهایی به کار گرفته شد که سطح سواد آنها نسبتاً پایین بوده، ب) تکمیل پرسشنامه بدون مصاحبه، در این شیوه پرسشنامه را پاسخگو خود شخصا تکمیل و پرشگر تنها بر فرایند تکمیل پرسشنامه نظارت کرد. همچنین جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم افزار SPSS و مدل Fuzzy VIKOR استفاده شده است. جامعه آماری در پژوهش حاضر شامل دو بخش می‌باشد. بخش اول مربوط به ساکنین ۱۴ محله (اسلامی، القورآباد و افشار، ورقه، شهید سراوانی، اسلام آباد، حسین آباد، شاهرودی و طباطبایی، شهید حسینی، قاسم آباد، حاجی آباد، معصوم آباد، باقرآباد، شهید پیری و شرق سام شرقی) می‌باشد. در بخش دوم نیز مربوط به متخصصان و افراد نخبه و آگاه در زمینه موضوع پژوهش حاضر می‌باشد. جهت تعیین حجم نمونه در بخش اول، با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی از فرمول کوکران استفاده گردید.

جامعه آماری پژوهش ۱۰ هزار و ۵۰۰ هزار خانوار در ۱۴ محله مورد مطالعه می‌باشد که بر اساس فرمول کوکران تعداد (۳۷۰) سرپرست خانوار، تعیین شد. جهت تعیین نمونه‌گیری در بخش دوم بر اساس نمونه‌گیری هدفمند، تعداد ۲۰ نفر به عنوان جامعه نمونه تعیین شد.

اعتبار روایی این پژوهش بر اساس اعتبار محتوایی است. اعتبار محتوایی یک آزمون، معمولاً توسط افرادی متخصص در موضوع مورد مطالعه تعیین می‌شود. برای افزایش اعتبار این پژوهش، پرسشنامه تهیه شده در اختیار تعدادی از اساتید مطلع قرار داده شده تا مطالعه نموده و نظر خود را بیان نمایند. در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ از بسته نرم‌افزاری SPSS محاسبه گردید. در این پژوهش پرسشنامه با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۶۵، از پایایی قابل قبولی برخوردار است. همچنین قابل ذکر است، ابعاد مورد بررسی در پژوهش حاضر، شامل (پایداری اجتماعی، پایداری اقتصادی، پایداری زیست محیطی، پایداری کالبدی، پایداری نهادی) می‌باشد. گویه‌های هر یک از ابعاد به شرح جدول (۱)، می‌باشد.

جدول (۱): ابعاد پایداری و گویه‌های تحقیق

ابعاد	گویه
اجتماعی	احساس امنیت
	گذران اوقات فراغت
	دسترسی به امکانات شهری
اقتصادی	امکان خرید آسان مایحتاج روزانه
	کیفیت اجناس بازار
	میزان درآمد
	هزینه‌های زندگی
زیست محیطی	کیفیت شغلی
	فضای سبز
	بهداشت و پاکیزگی محله
کالبدی	آلودگی هوا
	تبعات زیست محیطی ناشی از ترافیک
	آلودگی صوتی
	روشنایی معابر
نهادی	عرض پیاده‌روها
	کانال‌های دفع فاضلاب
	نمای ساختمان‌ها
	نمای خیابان‌ها
نهادی	وجود امکانات ورزشی
	بهداشتی - درمانی
	امکانات برای بازی کودکان
	عملکرد سازمانهای خدمات رسان شهری مانند شهرداری و شورای شهر

منبع: خوش فرم و همکاران، ۱۳۹۱

یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی

بر اساس اطلاعات به دست آمده از پرسشنامه‌های سرپرستان خانوار در مناطق حاشیه‌نشین زابل، ۷۸/۴۵ درصد محل تولد سرپرستان خانوارها منطقه سیستان می‌باشد. از متولدین منطقه ۶۵/۶۷ درصد متولد روستاهای آن و ۳۵/۳۳ درصد متولد شهر زابل و شهرهای منطقه سیستان، هستند. همچنین بر اساس پاسخگویی سرپرستان خانوارهای مناطق حاشیه‌ای، ۲۵/۲۳ درصد بی سواد و باقی پاسخگویان دارای تحصیلات ابتدایی، دیپلم و فوق دیپلم می‌باشند. همچنین بر اساس اطلاعات به دست آمده

از سرپرستان خانوارها، شغل فعلی آنها در مناطق حاشیه‌ای شهر زابل، ۴۳/۲۵ درصد شغل آزاد، ۳۹/۵۴ درصد کشاورز و سایر پاسخگویان دارای شغل بازنشسته، کارمند دولتی، کارگر ساده، کارگر ماهر ساختمانی و مسافرکش و دامدار هستند. همچنین آمار بیکاری در این مناطق به خصوص در بین سرپرستان خانوار جوان و دارای تحصیلات کمتر از دیپلم خیلی زیاد است.

شمایی از وضعیت محلات حاشیه‌نشین شهر زابل

شکل‌گیری محلات حاشیه‌نشین زابل عمدتاً در قالب سکونتگاه‌های بدون برنامه و خارج از ضوابط در اراضی و یا سکونتگاه‌های پیرامون شهری است که عوامل گوناگونی در بروز هر یک از آنها موثرند. اراضی اطراف شهر به وسیله حاشیه‌نشینان تصرف شده و در ادامه با افزایش جمعیت، به یک هسته جمعیتی در اطراف شهر تبدیل شد. محلات قدیمی مانند ورقه، قاسم آباد، معصوم آباد و حسین آباد و القورآباد و محلات جدیدتر مانند اسلامی، افشار، اسلام آباد، شاهرودی، شهید حسینی، حاجی آباد، باقرآباد و سام شرقی از جمله این محلات حاشیه‌ای هستند. بعد مدتها سکونتگاه‌های روستایی واقع در پیرامون نقاط شهری به دلایل گوناگون از جمله مهاجرت از سایر نقاط روستایی و شهری منطقه، دچار افزایش سریع جمعیتی شده و به تدریج تبدیل به محدوده‌های حاشیه شده‌اند. سابقه حاشیه‌نشینی را در شهر زابل می‌توان همزمان با شکل‌گیری آن دانست. در گذشته خانه‌های پراکنده در اطراف شهر زابل و در مسیر خیابان‌های اصلی، برای کارگران روستایی که برای کار و جوانان روستایی که برای ادامه تحصیل به شهر مهاجرت کرده بودند، محل مناسب و ارزانی محسوب می‌شد. این خانه‌ها هسته اولیه محلات قدیمی ورقه، قاسم آباد، معصوم آباد را تشکیل می‌دهند. بایستی روند رشد این محلات را از سال‌های ۱۳۵۵ به بعد بر اثر مهاجرت‌های فرامنطقه‌ای (مهاجرت افغانه) و مهاجرت‌های داخلی (مهاجرت روستاییان و عشایر) و الحاق روستاهای اطراف دانست. به طوری که در این فاصله زمانی این شهر از نظر فیزیکی هفت برابر و از نظر جمعیتی تقریباً سه برابر شده است (بزی و همکاران، ۱۳۹۵).

بررسی سنجش سطح پایداری در محله‌های حاشیه‌نشین شهر زابل

در این قسمت از پژوهش به بررسی سنجش سطح پایداری در محله‌های حاشیه‌نشین شهر زابل پرداخته شده است. در پی اهمیت میزان سطح پایداری در محله‌های حاشیه‌نشین شهر زابل از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شده است. برای جمع-آوری داده‌ها با استفاده از پرسشنامه بسته، دارای جهت مثبت و طیف پنج گزینه‌ای لیکرت ۱ تا ۵ (خیلی کم، امتیاز ۱، کم؛ امتیاز ۲، متوسط؛ امتیاز ۳، زیاد؛ امتیاز ۴، خیلی زیاد؛ امتیاز ۵) صورت گرفت. بنابراین هر چقدر میانگین هر یک از گویه‌های مورد بررسی از حد وسط که در طیف لیکرت (۳) است، کمتر باشد، بیانگر وضعیت بد پایداری محله‌های حاشیه‌نشین زابل است، ولی هر چه میانگین هر یک از گویه‌ها بالاتر از حد وسط باشد، نشان‌دهنده وضعیت مطلوب محله‌های حاشیه‌نشین شهر زابل از نظر پایداری است. همچنین در این آزمون اگر مقدار سطح معنی‌دار (sig)، از (۰/۰۵) کمتر باشد، بیانگر این است که می‌توان میانگین حاصل از نمونه را به کل ساکنان شهر زابل تعمیم داد. بر این اساس با توجه به نتایج یافته‌ها و با احتساب دامنه طیفی که بین ۱ تا ۵ و بر اساس طیف لیکرت در نوسان است. این میزان در همه گویه‌های ابعاد (پایداری، اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، نهادی) کمتر از عدد مطلوبیت ۳ ارزیابی شده و در سطح آلفای ۰/۰۰۰ معنادار است، در واقع نتایج گویای عدم پایداری مطلوب در محله‌های حاشیه‌نشین شهر زابل می‌باشد.

جدول (۲): میزان پایداری محله‌های حاشیه‌نشین شهر زابل

فاصله اطمینان	معناداری (۲ دامنه)		T	میانگین	گویه
	بالا	پایین			
	۲/۳۳	۲/۰۹	۲۴/۵۵۰	۲/۱۲	احساس امنیت
	۲/۳۵	۲/۱۴	۲۱/۸۲۴	۲/۲۵	گذران اوقات فراغت
	۲/۱۲	۱/۹۸	۲۲/۴۸۸	۲/۰۰	دسترسی به امکانات شهری
	۲/۵۲	۲/۲۱	۲۱/۴۵۳	۲/۴۲	امکان خرید آسان مایحتاج روزانه

۲/۰۸	۲/۳۴	۰/۰۰۰	۲۵/۹۰۰	۲/۱۲	کیفیت اجناس بازار
۱/۸۷	۲/۱۱	۰/۰۰۰	۲۴/۴۶۲	۲/۰۰	میزان درآمد
۲/۱۲	۲/۳۴	۰/۰۰۰	۲۱/۶۲۷	۲/۲۴	هزینه‌های زندگی
۲/۱۲	۲/۴۵	۰/۰۰۰	۲۱/۵۵۴	۲/۳۳	کیفیت شغلی
۲/۳۱	۲/۵۶	۰/۰۰۰	۲۱/۵۶۷	۲/۴۴	فضای سبز
۲/۳۴	۲/۶۵	۰/۰۰۰	۲۱/۵۵۴	۲/۵۵	بهداشت و پاکیزگی محله
۲/۶۶	۲/۸۹	۰/۰۰۰	۲۱/۴۴۵	۲/۷۸	آلودگی هوا
۲/۰۹	۲/۳۳	۰/۰۰۰	۲۴/۵۵۰	۲/۱۲	تبعات زیست محیطی ناشی از ترافیک
۲/۱۴	۲/۳۵	۰/۰۰۰	۲۱/۸۲۴	۲/۲۵	آلودگی صوتی
۱/۹۸	۳/۱۲	۰/۰۰۰	۲۲/۴۸۸	۲/۰۰	روشنایی معابر
۲/۲۱	۲/۵۲	۰/۰۰۰	۲۱/۴۵۳	۲/۴۲	عرض پیاده‌روها
۲/۶۷	۲/۹۶	۰/۰۰۰	۲۱/۳۲۵	۲/۸۳	کانال‌های دفع فاضلاب
۲/۶۲	۲/۸۶	۰/۰۰۰	۲۱/۴۱۹	۲/۷۴	نمای ساختمان‌ها
۲/۴۰	۲/۵۹	۰/۰۰۰	۲۱/۷۷۶	۲/۵۰	نمای خیابان‌ها
۲/۲۵	۲/۴۶	۰/۰۰۰	۲۱/۱۵۶	۲/۳۷	وجود امکانات ورزشی
۱/۹۷	۲/۱۴	۰/۰۰۰	۲۱/۳۲۱	۲/۲۴	بهداشتی -درمانی
۲/۰۹	۲/۴۳	۰/۰۰۰	۲۱/۳۷۰	۲/۱۷	امکانات برای بازی کودکان
۲/۴۵	۲/۸۹	۰/۰۰۰	۲۱/۰۰۲	۲/۷۸	عملکرد سازمانهای خدمات رسان شهری مانند شهرداری و شورای شهر

در ادامه نیز نتایج حاصل از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه در جدول (۳)، نشان می‌دهد، با توجه به اینکه سطح معناداری از (۰/۰۵) کمتر است، با اطمینان ۰/۹۵ می‌توان گفت که در میان محله‌های حاشیه نشین شهر زابل به لحاظ پایداری تفاوت معناداری وجود دارد. این بدان معناست که وضعیت پایداری در محله‌های حاشیه‌نشین شهر زابل با یکدیگر یکسان نیست. بیشترین و کمترین اختلاف میانگین بین این محله‌ها، متعلق به بعد (اقتصادی) با توجه به مقدار آزمون F می‌باشد. لذا بین محله‌های حاشیه‌نشین شهر زابل از نظر پایداری، تفاوت‌هایی دیده می‌شود.

جدول (۳): آزمون تحلیل واریانس یک طرفه به منظور تفاوت محله‌های حاشیه‌نشین از نظر پایداری

بعد	آزمون واریانس	جمع مربعات	درجه آزادی	اختلاف مربعات	آزمون F	(Sig)
اقتصادی	بین گروهی	۸/۱۴	۲	۲/۱۳	۱۵/۱۶	۰/۰۰۱
	درون گروهی	۵۶/۴۴	۳۶۸	۰/۱۴		
	جمع	۶۴/۵۸	۳۷۰			
اجتماعی	بین گروهی	۸/۱۶	۲	۲/۱۱	۱۳/۲۲	۰/۰۰۲
	درون گروهی	۴۶/۵۵	۳۶۸	۰/۱۴		
	جمع	۵۴/۷۱	۳۷۰			
کالبدی	بین گروهی	۶/۱۶	۲	۲/۱۴	۱۳/۴۵	۰/۰۰۱
	درون گروهی	۵۲/۷۷	۳۶۸	۰/۱۵		
	جمع	۵۸/۹۳	۳۷۰			
زیست محیطی	بین گروهی	۴/۵۵	۲	۲/۱۱	۱۲/۴۵	۰/۰۰۱
	درون گروهی	۲۳/۶۷	۳۶۸	۰/۱۵		
	جمع	۲۸/۲۲	۳۷۰			
نهادی	بین گروهی	۹/۶۶	۲	۲/۱۵	۱۲/۳۳	۰/۰۰۱
	درون گروهی	۲۳/۱۳	۳۶۸	۰/۱۳		
	جمع	۳۲/۷۹	۳۷۰			

در نهایت جهت رتبه‌بندی مهمترین ابعاد پایداری در محله‌های حاشیه‌نشین شهر زابل از دیدگاه متخصصان، از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده گردید. نتایج همانطور که در جدول (۴)، نشان می‌دهد، میانگین به دست آمده در تمامی ابعاد مورد مطالعه، گویای اهمیت تمامی ابعاد پایداری در محله‌های حاشیه‌نشین شهر مورد مطالعه می‌باشد، ولیکن از بین ابعاد مورد مطالعه، بعد اقتصادی با مقدار میانگین به دست آمده (۳/۶۱)، بالاترین رتبه را به خود اختصاص داده است.

جدول (۴): رتبه‌بندی ابعاد پایداری در محله‌های حاشیه‌نشین شهر زابل

گویه	میانگین	T	معناداری (۲) دامنه	فاصله اطمینان	
				بالا	پایین
اقتصادی	۳/۶۱	۲۴/۷۸۶	۰/۰۰۰	۳/۷۱	۳/۵۲
اجتماعی	۳/۵۴	۲۴/۶۳۲	۰/۰۰۰	۳/۶۶	۳/۳۴
کالبدی	۳/۱۹	۵۷/۰۲۶	۰/۰۰۰	۳/۷۸	۳/۰۱
زیست محیطی	۳/۲۳	۶۲/۵۷۸	۰/۰۰۰	۳/۷۱	۳/۰۷
نهادی	۳/۴۱	۵۲/۴۵۳	۰/۰۰۰	۳/۹۸	۳/۲۷

رتبه‌بندی محله‌های حاشیه‌نشین شهر زابل بر اساس ابعاد پایداری با استفاده از مدل وایکور فازی

در گام اول بر اساس داده‌های خام حاصل از پرسشنامه، به طبقه‌بندی مقادیر هر بعد به تفکیک هر محله در قالب متغیرهای زبانی (خیلی کم، کم، متوسط، بالا، خیلی بالا) پرداخته می‌شود که بدین صورت ماتریس وضع موجود تشکیل می‌شود. سپس مقادیر اندازه‌گیری شده با متغیرهای زبانی مناسب را با مقادیر فازی مثلثی نشان می‌دهیم. در مرحله بعد نیاز است تا اعداد فازی برای هر محله با هم جمع شود و به طور جداگانه متوسط پاسخ دهندگان برای هر بعد بر اساس رابطه زیر محاسبه شود:

جدول (۵): محاسبه مقادیر جمع فازی برای هر محله

ابعاد محلات	اقتصادی	اجتماعی	کالبدی	زیست محیطی	نهادی
اسلامی	(۰/۵۸، ۰/۵۸، ۰/۷۵)	(۰/۵۸، ۰/۷۵، ۰/۹۰)	(۰/۵۰، ۰/۰۶۶، ۰/۹۹)	(۰/۶۶، ۰/۷۵، ۰/۵۸)	(۰/۵۰، ۰/۴۲، ۰/۷۵)
الغورآباد و افشار	(۴۹، ۰/۲۴، ۰)	(۰/۴۹، ۰/۲۴، ۰/۴۱)	(۰/۵۷، ۰/۴۱، ۰/۱۶)	(۰/۱۴، ۰، ۰/۴۹)	(۴۹، ۰/۲۴، ۰)
ورقه	(۴۹، ۰/۲۴، ۰)	(۰/۴۹، ۰/۰، ۰)	(۴۹، ۰/۲۴، ۰)	(۰/۴۱، ۰/۱۶، ۰/۵۸)	(۰/۴۹، ۰/۲۴، ۰/۲۴)
شهید سراوانی	(۰/۸، ۰/۵۸، ۰/۷۵)	(۰/۴۹، ۰/۴۹، ۰/۹۰)	(۰/۴۹، ۰/۶۶، ۰/۹۹)	(۰/۴۹، ۰/۴۹، ۰/۹۰)	(۰/۴۹، ۰/۴۹، ۰/۹۰)
اسلام آباد	(۴۹، ۰/۲۴، ۰)	(۴۹، ۰/۲۴، ۰)	(۰/۳۳، ۰/۰۸۲، ۰)	(۰/۴۹، ۰/۲۴، ۰)	(۰/۳۳، ۰/۰۸۲، ۰)
حسین آباد	(۴۹، ۰/۲۴، ۰)	(۰/۴۹، ۰/۴۹، ۰/۲۴)	(۰/۴۹، ۰/۴۹، ۰/۲۴)	(۰/۴۹، ۰/۴۹، ۰/۶۶)	(۰/۴۹، ۰/۴۹، ۰/۹۹)
شاهرودی و طباطبایی	(۰/۵۸، ۰/۴۲، ۰/۱۶)	(۰/۶۶، ۰/۴۹، ۰/۴۱)	(۰/۶۶، ۰/۴۹، ۰/۴۱)	(۰/۴۹، ۰/۴۱، ۰/۴۹)	(۰/۶۶، ۰/۴۹، ۰/۴۱)
شرق سام شرقی	(۰/۵۸، ۰/۴۲، ۰/۱۶)	(۰/۶۶، ۰/۸۲، ۰/۷۴)	(۰/۶۶، ۰/۸۲، ۰/۷۴)	(۰/۴۹، ۰/۴۹، ۰/۲۴)	(۰/۵۸، ۰/۶۸، ۰/۹۰)
شهید حسینی	(۰/۴۹، ۰/۰۸۲، ۰)	(۰/۳۳، ۰/۰۹۲، ۰)	(۰/۴۹، ۰/۴۹، ۰)	(۰/۴۹، ۰/۴۹، ۰)	(۰/۴۹، ۰/۴۹، ۰/۲۴)
قاسم آباد	(۰/۵۸، ۰/۴۱، ۰/۱۶)	(۰/۵۸، ۰/۴۱، ۰/۱۶)	(۰/۴۹، ۰/۲۴، ۰)	(۰/۴۹، ۰/۴۱، ۰/۲۴)	(۰/۴۹، ۰/۴۱، ۰/۲۴)
حاجی آباد	(۰/۵۸، ۰/۴۲، ۰/۱۶)	(۰/۶۶، ۰/۸۲، ۰/۷۴)	(۰/۶۶، ۰/۸۲، ۰/۷۴)	(۰/۴۹، ۰/۴۹، ۰/۲۴)	(۰/۵۸، ۰/۶۸، ۰/۹۰)
معصوم آباد	(۰/۸، ۰/۵۸، ۰/۷۵)	(۰/۴۹، ۰/۴۹، ۰/۹۰)	(۰/۴۹، ۰/۶۶، ۰/۹۹)	(۰/۴۹، ۰/۴۹، ۰/۹۰)	(۰/۴۹، ۰/۴۹، ۰/۹۰)
باقر آباد	(۴۹، ۰/۲۴، ۰)	(۴۹، ۰/۲۴، ۰)	(۰/۳۳، ۰/۰۸۲، ۰)	(۰/۴۹، ۰/۲۴، ۰)	(۰/۳۳، ۰/۰۸۲، ۰)
شهید پیری	(۰/۵۸، ۰/۴۲، ۰/۱۶)	(۰/۶۶، ۰/۴۹، ۰/۴۱)	(۰/۶۶، ۰/۴۹، ۰/۴۱)	(۰/۴۹، ۰/۴۱، ۰/۴۹)	(۰/۶۶، ۰/۴۹، ۰/۴۱)

به این ترتیب با یکپارچه سازی نظر پاسخگویان به پرسش‌ها در هر محله برای هر یک از نماگرها در هر محله یک عدد فازی به دست آمد که حاصل میانگین نظرهای نمونه‌ها بود. سپس لازم است از طریق فازی زدایی یا دیفازی کردن، اعداد فازی بدست آمده در طی محاسبات از حالت فازی خارج و به اعداد حقیقی تبدیل شوند.

جدول (۶): دیفازی کردن ماتریس تصمیم‌گیری و وزن دهی هر بعد برای تبدیل به اعداد قطعی

ابعاد محلات	اقتصادی	اجتماعی	کالبدی	زیست محیطی	نهادی
اسلامی	۰/۳۸۳	۰/۴۹۳	۰/۳۴۸	۰/۳۳۳	۰/۳۸۶
القورآباد و افشار	۰/۵۷۶	۰/۳۸۳	۰/۴۴۴	۰/۴۰۰	۰/۵۷۶
ورقه	۰/۵۷۶	۰/۶۲۰	۰/۵۷۶	۰/۳۰۳	۰/۴۹۰
شهید سراوانی	۰/۵۵۳	۰/۴۶۰	۰/۵۵۳	۰/۴۶۰	۰/۴۶۰
اسلام آباد	۰/۵۷۶	۰/۵۷۶	۰/۶۰۳	۰/۵۷۰	۰/۳۸۳
حسین آباد	۰/۵۷۶	۰/۲۴۶	۰/۲۴۶	۰/۳۸۶	۰/۴۹۰
شاهرودی و طباطبایی	۰/۵۲۳	۰/۴۷۰	۰/۴۷۰	۰/۳۰۳	۰/۴۷۰
شرق سام شرقی	۰/۵۲۳	۰/۴۱۰	۰/۴۱۰	۰/۲۴۶	۰/۴۷۰
شهید حسینی	۰/۶۳۱	۰/۵۲۱	۰/۴۹۳	۰/۴۹۳	۰/۲۴۶
قاسم آباد	۰/۵۲۳	۰/۵۲۳	۰/۵۷۰	۰/۴۴۰	۰/۴۴۰
حاجی آباد	۰/۵۷۶	۰/۲۴۶	۰/۲۴۶	۰/۳۸۶	۰/۴۹۰
معصوم آباد	۰/۵۷۶	۰/۶۲۰	۰/۵۷۶	۰/۳۰۳	۰/۴۹۰
باقر آباد	۰/۵۵۳	۰/۴۶۰	۰/۵۵۳	۰/۴۶۰	۰/۴۶۰
شهید پیری	۰/۳۸۳	۰/۴۹۳	۰/۳۴۸	۰/۳۳۳	۰/۳۸۶

در ادامه نیز، محاسبه ماتریس وزنی جهت وزن دار کردن، مقادیر ماتریس نرمال هر یک از گزینه‌ها بر وزن ابعاد (که قبلاً از روش‌های دیگر به دست آمده بود) ضرب می‌گردد، و در پس از تعیین مقادیر بالاترین و پایین‌ترین ارزش ماتریس نرمال وزنی، محاسبه فاصله ایده آل و حداقل، شاخص ویکور که همان امتیاز نهایی هر محله است محاسبه شد. مقدار Q بیانگر رتبه نهایی هر محله از مجموع ابعاد مورد مطالعه است. در اینجا V وزن استراتژی (اکثریت معیارها) یا حداکثر مطلوبیت گروهی است. مقدار S میزان فاصله از راه حل ایده آل مثبت گزینه i ام را نشان می‌دهد. به عبارتی مقدار R نشان دهنده فاصله از راه حل ایده آل منفی برای گزینه i ام است. زمانی که V بزرگتر از $0/5$ است، شاخص Q حداکثر توافق را دارد. زمانی که V کوچکتر از $0/5$ است، نشان دهنده حداکثر نگرش منفی است. همچنین بر اساس مقادیر Q می‌توان گزینه‌ها را رتبه‌بندی کرد. گزینه‌هایی که مقدار Q در آنها بیشتر باشد، در اولویت بالاتری قرار می‌گیرند و مقادیر Q کوچکتر به معنای قرار گرفتن در رتبه‌ی پایین‌تر است.

از طریق فرمول زیر:

$$Q_j = v \cdot \frac{S_j - S^-}{S^* - S^-} + (1 - v) \cdot \frac{R_j - R^-}{R^* - R^-}$$

جدول (۶): مقادیر Q به دست آمده محله‌های حاشیه‌نشین شهر زابل

محله حاشیه نشین	Q
اسلامی	۰/۶۷۸
القورآباد و افشار	۰/۰۷۸
ورقه	۰/۲۵۶
شهید سراوانی	۱
اسلام آباد	۰/۳۵۶
حسین آباد	۰/۵۷۸
شاهرودی و طباطبایی	۰/۶۸۲
شرق سام شرقی	۰/۶۱۲
شهید حسینی	۰/۷۰۰

قاسم آباد	۰/۵۸۹
حاجی آباد	۰/۳۴۵
معصوم آباد	۰/۴۴۳
باقر آباد	۰/۳۱۳
شهید پیری	۰/۳۳۴

همانطور که در جدول شماره (۶) ملاحظه می‌شود، در بین محله‌های حاشیه‌نشین مورد نظر، محله شهید سراوانی با مقدار وزن به دست آمده (۱)، بالاترین میزان پایداری و محله القورآباد و افشار با مقدار وزن به دست آمده ۰/۰۸۷، پایین‌ترین میزان پایداری را به خود اختصاص داده است.

نتیجه‌گیری

امروزه از زمینه‌های ناپایداری توسعه‌ی شهری به ویژه در کشورهای در حال توسعه، اسکان غیر رسمی است که همواره به مثابه‌ی یک چالش مدیریت و برنامه ریزی شهری مطرح بوده است. با مطرح شدن توسعه‌ی پایدار شهری و لزوم توجه به همه‌ی ابعاد وجودی شهر (اعم از زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی) به عنوان پایه‌های توسعه‌ی پایدار شهری، مطالعات سکونتگاه‌های غیر رسمی وارد دوره‌ی مطالعاتی جدید و بیشتر در ارتباط با ارزیابی سطح پایداری در این گونه سکونتگاه‌ها شد. در این راستا، پژوهش حاضر به بررسی سنجش ابعاد پایداری محلات حاشیه‌نشین شهر زابل پرداخته شده است. نتایج پژوهش به شرح ذیل می‌باشد: نتایج بررسی اهمیت میزان سطح پایداری در محله‌های حاشیه‌نشین شهر زابل از آزمون تی تک نشان داد در همه گویه‌های ابعاد (پایداری، اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، نهادی) کمتر از عدد مطلوبیت ۳ ارزیابی شده و در سطح آلفای ۰/۰۰۰ معنادار است، در واقع نتایج گویای میزان عدم پایداری مطلوب در محله‌های حاشیه‌نشین شهر زابل می‌باشد. در ادامه نیز نتایج حاصل از آزمون تحلیل واریانس نشان داد، با توجه به اینکه سطح معناداری از (۰/۰۵) کمتر است، با اطمینان ۰/۹۵ می‌توان گفت که در میان محله‌های حاشیه‌نشین شهر زابل به لحاظ پایداری تفاوت معناداری وجود دارد. این بدان معناست که وضعیت پایداری در محله‌های حاشیه‌نشین شهر زابل با یکدیگر یکسان نیست. بیشترین و کمترین اختلاف میانگین بین این محله‌ها به ترتیب متعلق به بعد (اقتصادی) با توجه به مقدار آزمون F می‌باشد. لذا بین محله‌های حاشیه‌نشین شهر زابل از نظر پایداری، تفاوت‌هایی دیده می‌شود. در نهایت جهت رتبه‌بندی مهمترین ابعاد پایداری در محله‌های حاشیه‌نشین شهر زابل از دیدگاه متخصصان، از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده گردید. نتایج نشان داد، میانگین به دست آمده در تمامی ابعاد مورد مطالعه، گویای اهمیت تمامی ابعاد پایداری در محله‌های حاشیه‌نشین شهر مورد مطالعه می‌باشد، ولیکن از بین ابعاد مورد مطالعه، بعد اقتصادی با مقدار میانگین به دست آمده (۳/۶۱)، بالاترین رتبه را به خود اختصاص داده است. در نهایت جهت رتبه‌بندی محلات حاشیه‌نشینی از نظر ابعاد پایداری از مدل وایکور فازی استفاده گردید. نتایج نشان داد، در بین محله‌های حاشیه‌نشین مورد نظر، محله شهید سراوانی با مقدار وزن به دست آمده (۱)، بالاترین میزان پایداری و محله القورآباد و افشار با مقدار وزن به دست آمده ۰/۰۸۷، پایین‌ترین میزان پایداری را به خود اختصاص داده است. در راستای نتایج پژوهش، راهکارهای ذیل پیشنهاد گردیده است.

- علل شکل‌گیری حاشیه‌نشینی شهر زابل ناشی از عوامل اقتصادی مانند نداشتن شغل و درآمد روستاییان در منطقه سیستان ناشی از خشکسالی‌های اخیر می‌باشد. برای حل این مشکل نیز باید به عوامل اقتصادی مانند اشتغال حاشیه‌نشینان با افزایش آموزش مهارت‌های فنی و حرفه‌ای توجه شود. تامین منابع مالی مورد نیاز از طرف دولت می‌تواند به تسریع روند پایداری اقتصادی حاشیه‌نشینان زابل کمک کند.
- در زمینه راهکارها و شیوه برخورد با معضل محلات حاشیه‌نشین زابل، باید اعتراف کرد که اکثر ساکنان این محلات جزو جوامع فقیر هستند. از این رو، مدیریت شهری و دولت باید به ابعاد اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، زیست محیطی و نهادی ساکنان این محلات کمک کنند تا نان بتوانند با راتقاء بخش مسکن و محیط زندگی، شرایط خود را بهبود بخشند.

منابع:

- یزی، خدارحم، کیانی، اکبر، صفرزائی، عبدالغنی، (۱۳۹۵)، بررسی علل شکل‌گیری و راهکار مقابله حاشیه‌نشینی شهر زابل با تاکید بر توانمندسازی، فصلنامه مطالعات شهری، ۶ (۲۱)، صص ۱۷-۲۸.
- بندرآباد، علیرضا، پوریوسفی، مرجان، (۱۳۹۸)، نقش ظرفیت‌سازی اجتماعی محور در ارتقاء توانمندی سکونتگاه‌های غیررسمی (نمونه موردی: اسلام آباد کرج)، ششمین کنفرانس ملی فناوری‌های نوین در مهندسی عمران، معماری و شهرسازی، تهران.
- پوراحمد، احمد، رهنمایی، محمد تقی، قرخلو، مهدی، اسکندری نوده، محمد، (۱۳۸۹)، آسیب‌شناسی سیاست‌های دولت در ساماندهی اسکان غیر رسمی، نمونه موردی: محلات نای بند، شیر سوم و خواجه عطا، شهر بندرعباس، مطالعات پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، دوره ۲، شماره ۵، صص ۲۹-۵۴.
- تقوی، نعمت‌الله، (۱۳۷۱)، نظریه‌های مهاجرت، تبریز: نشر ستوده.
- تولایی، روح اله، زمانی، بهادر، ایران دوست، کیومرث، (۱۳۹۸)، سنجش و ارزیابی سطح پایداری در سکونتگاه‌های غیررسمی با استفاده از مدل جای پای بوم‌شناختی (مورد شناسی: محله ی عباس آباد بالاشهر سنندج)، نشریه جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای، دوره ۹، شماره ۳۱، صص ۱-۱۴.
- حبیبی، میترا، نیلوفر، گرامی، (۱۳۹۷)، چگونگی استفاده از فضاهای شهری در سکونتگاه‌های غیررسمی؛ مورد پژوهی: جداره شرقی بزرگراه چمران تهران، حفاصل پل ملاصدرا و پل مدیریت، نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال نهم، شماره ۳۲، صص ۱۷۴-۱۶۳.
- حسین‌زاده، علی حسین؛ نواح، عبدالرضا و اسماعیلی، مرتضی، (۱۳۸۷)، بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر حاشیه‌نشینی در شهر بهبهان، فصلنامه توسعه انسانی، شماره ۴، صص ۱۰۳-۱۳۰.
- خوش‌فرم، غلامرضا، بارگاهی، رضا، کرمی، شهاب، (۱۳۹۱)، سرمایه اجتماعی و پایداری شهری (مطالعه موردی شهر گرگان)، فصلنامه مطالعات شهری، دوره ۲، شماره ۸، صص ۳۱-۴۶.
- شیبانی‌مقدم، فرشته، سرور، رحیم، اسدیان، فریده، (۱۳۹۸)، ارزیابی میزان موفقیت طرح‌های ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی زاهدان، نشریه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی (جغرافیای انسانی)، دوره ۱۱، شماره ۲، صص ۲۰۳-۲۰۱۶.
- قربانی، رسول، خوارزمی، امیدعلی، ترکمن‌نیا، نعیمه، (۱۳۹۸)، تحلیل تأثیر عوامل اقتصادی-اجتماعی بر شکل‌گیری و گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی کلان‌شهر مشهد، نشریه پژوهش‌های جغرافیای انسانی (پژوهش‌های جغرافیایی)، دوره ۵۱، شماره ۲، صص ۳۷۳-۳۸۵.
- قضاقلو، محسن، عبدالله زاده رودپشتی، مصطفی، عمادی، پیام، بیات، غلامرضا، (۱۳۹۸)، بررسی چالش‌ها و تهدیدهای سکونتگاه‌های غیررسمی در نظام مدیریت شهری نوین، کنگره ملی تازه یافته‌ها در علوم انسانی، تهران.
- نقدی، اسدالله، (۱۳۸۲)، درآمدی بر جامعه‌شناسی شهری، انسان و شهر، همدان: انتشارات فن آوران.
- یزدانی، محمدحسن، فرزانه سادات زارنجی، ژیلای، یاری، حصار، ارسطو، (۱۳۹۸)، سنجش سطح پایداری در سکونتگاه‌های غیررسمی شهر اردبیل به کمک مدل بارومتر پایداری، نشریه پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، دوره ۷، شماره ۳، صص ۶۰۱-۶۲۸.
- Burgess, R & Marisa C, Theo K, (1997b), Contemporary Policies for Enablement and Participation: A Critical Review In: Borgess, Rod & et al (Eds) (1997).
- Burgess, R & Marisa, C, (1997a), Contemporary Spatial Strategies and Urban Policies in Developing Countries: A Critical Review, In: Borgess, Rod & et al (Eds).
- Davis, M, (2004), Planet of Slums. Urban Involution and the Informal Proletariat, (New Left Review, No. 26. PP5-34
- Franklin, B, (2006), Housing Transformations, Rutledge: London Habitat International 35, pp. 238-245.
- Gruber, D, et al, (2005), Living and Working in Slums of Mumbai, Internet-Fassung, April, Otto-von-Guericke-Universität
- Hughes, J, (1977), Methods of Housing Analysis, Rutgers: New Jersey.
- Olajide, O., (2013), Poverty Alleviation in Lagos Urban Informal Settlements: A Sustainable livelihood Approach, 49th ISOCARP Congress, PP. 1-12.
- Wekesa, B.W, Steyn, G. S, Otieno, (2011), a review of physical and socioeconomic. F.A.O.